

بازخوانی سوره مائده به دنبال چهره نفاق

[مسعود شکوهی*]

مقدمه

یکی از سؤالاتی که درباره واقعه غدیر خم ذهن بسیاری را به خود مشغول کرده و گاهی هم از آن سوء استفاده می‌شود، این است که با وجود انبوه حاضران در غدیر خم چرا بعد از پیامبر به فرمان او در غدیر توجه نشد؟ چه بسا کسانی در مواجهه با این پرسش چنین نتیجه بگیرند که یا آمار بالای حاضران در غدیر اشتباه است یا انتصاب علی علیه السلام به مقام ولایت دروغ است و این دو قابل جمع نیستند. کسانی که چنین نگاهی به ماجرای غدیر دارند، در ذهن خود پیشاپیش نوعی تقدس را نسبت به صحابه پیامبر مفروض گرفته‌اند؛ به این معنا که اگر واقعاً این جمع کثیر از صحابه در روز غدیر حاضر بودند و اگر واقعاً پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود معرفی کرده بود، محال بود اصحاب او پس از وفاتش با فرمان او مخالفت کنند.

این نوشتار در پی آن است که با توجه به سوره مائده، به طور خلاصه بستر اعتقادی اطرافیان پیامبر را در آن مقطع زمانی مورد بررسی قرار دهد و نهایتاً بدانجا برسد که نشان دهد حضور جمع کثیری از مردم در روز غدیر، منافاتی با نافرمانی از پیامبر ندارد؛ بلکه برعکس، جو اعتقادی میان اصحاب بسیار نگران‌کننده بوده و آنان آن‌چنان که باید و شاید مطیع دستورات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نبوده‌اند و اکثریت جامعه در مسیر نفاق با مسلمانان و همکاری با دشمنان اسلام و پیامبر قرار داشتند.

قرآن اگرچه دربرگیرنده قصه‌های فراوانی است، اما هرگز نمی‌توان به آن کتاب قصه گفت چون هرگز از ویژگی‌های یک کتاب قصه تبعیت نمی‌کند؛ تکه‌های مختلف یک قصه را به

بیان‌های مختلف در جای‌جای قرآن می‌توان یافت، اما چرا؟ راز این نکته را باید در تناسب آیات با زمان و مکان نزول آن‌ها جست‌وجو کرد؛ به عبارت دیگر، گرچه آیات قرآن محدود به زمان و مکان خاصی نیستند، اما بی‌ارتباط به زمان و مکان نزول نیز نیستند. از این رو اگر زمان و مکان نزول آیات قرآن را بدانیم، این آیات می‌توانند نکات مهمی را بازگو کنند.

درباره زمان نزول آیات سوره مائده چند نظر وجود دارد. قدر مشترک این نظرها آن است که این سوره در اواخر عمر پیامبر اکرم ﷺ و مشخصاً در دو ماه آخر عمر شریفشان نازل شده؛ بنابراین می‌تواند منای مناسبی برای بررسی وضعیت اعتقادی مسلمین در روزهای پایانی عمر پیامبر اکرم ﷺ باشد. به نظر راقم این سطور تک‌تک آیات این سوره، مستقیم یا غیرمستقیم، به دنبال ترسیم چهره اعتقادی مسلمین در این روزهاست. بررسی همه آیات این سوره با چنین نگاهی مجال گسترده‌ای می‌طلبد ولی ارائه نمونه‌هایی از آن خالی از لطف نخواهد بود.

پرهیز از پیمان‌شکنی

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرِ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَ أَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ﴾^۱

﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادها [ی خود] وفا کنید. برای شما [گوشت] چارپایان حلال گردیده، جز آنچه [حکمش] بر شما خوانده می‌شود، در حالی که نباید شکار را در حال احرام حلال بشمرید. خدا هر چه بخواهد فرمان می‌دهد﴾

در سرآغاز سوره مائده، بدون هیچ مقدمه‌ای اصحاب و مسلمین به وفای عهد دعوت می‌شوند، گرچه ظاهراً آیه دعوت به یک موضوع کلی می‌کند، اما نمی‌توان ارتباط این موضوع را با اوضاع زمان نزول آیات و شیوع پیمان‌شکنی در میان اصحاب نادیده گرفت. آنچه این مفهوم را تقویت می‌کند، آن است که در ادامه سوره و در چندین موضع یکی از مشکلات رایج در بین یهودیان پیمان‌شکنی آنان با پیامبرانشان شمرده می‌شود. ادامه آیه به احکام خوراکی‌ها اشاره دارد و ارتباط آن با وفای عهد، خود پررسی است که در آیات دیگر

همین سوره می‌توان به پاسخ آن رسید.

احترام به شعائر الله و همکاری در نیکی

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ النَّبِيِّ الْحَرَامَ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝﴾^۱

﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید، حرمت شعایر خدا، و ماه حرام، و قربانی بی‌نشان، و قربانی‌های گردن‌بنددار، و راهیان بیت الحرام را که فضل و خشنودی پروردگار خود را می‌طلبند، نگه دارید. و چون از احرام بیرون آمدید [می‌توانید] شکار کنید، و البته نباید کینه‌توزی گروهی که شما را از مسجد الحرام باز داشتند، شما را به تعدی وادارد. و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید، و از خدا پروا کنید که خدا سخت‌کیفر است.﴾

احترام به شعائر الهی چیزی است که هر مسلمانی باید بدان پایبند باشد. ناگفته پیداست که هر کس که دینی را می‌پذیرد خود را ملزم به رعایت احکام آن و توجه به مقدسات آن دین می‌کند؛ مگر این که ایمان او واقعی نباشد و منافقانه تظاهر به ایمان کرده باشد. منافق در هر فرصتی که می‌یابد، مرزهای الهی را می‌شکند و به مقدسات می‌تازد، و از آنجا که پیامبر مأمور به ظاهر بوده، گرچه به باور قلبی منافقان واقف است، آنان را به رعایت حریم شعائرالله دعوت می‌کند. در ادامه آیه، خداوند مسلمین را به همکاری در برّ و نیکی دعوت می‌کند و از همکاری در گناه باز می‌دارد. گناه معمولاً به شکل فردی انجام می‌شود و هرگاه جمعی باشد، امنیت دینی و اعتقادی جامعه را نشانه گرفته است؛ یعنی همان جریان نفاق. با توجه به آیه قبل، در واقع می‌توان گفت در آیین آیه، خداوند منافقان را از پیمان‌شکنی و فتنه‌گری

و اجتماع به باطل باز می‌دارد و به همکاری در بر و نیکی دعوت می‌کند.

رعایت احکام دینی در خوراکی‌ها

﴿ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلَ لَغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنِقَةُ وَ الْمُوقُودَةُ وَ الْمُتَرَدِّيَّةُ وَ النَّطِيحَةُ وَ مَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَ مَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَ أَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ ﴾^۱

﴿ بر شما حرام شده است: مردار، و خون، و گوشت خوک، و آنچه به نام غیر خدا کشته شده باشد، و [حیوان] خفه‌شده، و به‌چوب‌مرده، و از بلندی افتاده، و به ضرب شاخ‌مرده، و آنچه درنده از آن خورده باشد - مگر آنچه سر ببرید - و [همچنین] آنچه برای بتان سر بریده شده، و [نیز] قسمت کردن شما [چیزی را] به وسیله تیرهای قرعه. این [کارها همه] نافرمانی [خدا] است.﴾

شاید در نگاه نخست این آیه با موضوع مورد نظر ما بی‌ارتباط باشد. ولی با دقت بیشتر خواهیم دید که چنین نیست؛ غذا نیاز طبیعی و روزمره انسان است و احکام آن باید در روزهای آغازین دین به پیروان ابلاغ شود؛ پس چرا این احکام باید برای روزهای پایانی عمر پیامبر بماند؟ در پاسخ باید گفت که احکام خوراکی‌ها در آیات و سوره‌های قبل و سال‌ها قبل از این نیز ابلاغ شده و در اینجا تکرار می‌شود. این پاسخ، پرسش دیگری را پیش می‌کشد: «اگر قبلاً این احکام به اطلاع مسلمین رسانده شده است چرا باید دوباره تکرار شود؟» ابتدایی‌ترین پاسخی که به این پرسش می‌توان داد آن است که: «زیرا مسلمانان آن احکام را رعایت نکرده‌اند.» یعنی بعد از گذشت بیست و سه سال از بعثت پیامبر، عده‌ای از مسلمانان در مورد خوراکی‌ها هنوز طبق احکام جاهلیت عمل می‌کنند و این خود دلیلی است بر ضعف اعتقادشان. اگر کمی بیشتر دقت کنیم می‌بینیم یکی از موارد نهی شده خوردن گوشتی است که برای بتان قربانی شده است؛ از اینجا درمی‌یابیم که با گذشت بیست و سه سال از رسالت پیامبر هنوز هم در مدینه و در بین مسلمین کسانی هستند که برای بت‌ها ارج و احترام قائل‌اند و برایشان قربانی می‌کنند؛ این یعنی نفاق و ناباوری قلبی نسبت به اسلام

و شخص پیامبر. ادامه این آیه درباره ولایت و غدیر خم است که خود بحثی است مفصل.

یاد آوری میثاق

﴿ وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ مِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَ اطَعْنَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴾^۱

﴿ و نعمتی را که خدا بر شما ارزانی داشته و [نیز] پیمانی را که شما را به [انجام] آن متعهد گردانیده، به یاد آورید، آن گاه که گفتید: «شنیدیم و اطاعت کردیم.» و از خدا پروا دارید که خدا به راز دل‌ها آگاه است.﴾

این سوره در نخستین آیه، دعوت به وفای عهد می‌کند و در آیات دیگر نیز چندین بار بر این موضوع تأکید می‌کند. در اینجا از مسلمین می‌خواهد که میثاقشان را به یاد آورند و با یادآوری تقوا و این که خداوند بر دل‌ها نیز اشراف دارد، در واقع آنان را از نقض پیمان پرهیز می‌دهد. در آیه سوم از ولایت به عنوان «اتمام نعمت» یاد شده است. در اینجا نیز از آن به نعمت تعبیر می‌شود. در تفسیر قمی ذیل این آیه از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم:

﴿ وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ مِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ ﴾. قَالَ لَمَّا اخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمِيثَاقَ عَلَيْهِمْ بِالْوَلَايَةِ. قَالُوا سَمِعْنَا وَ اطَعْنَا ثُمَّ نَقَضُوا مِيثَاقَهُ^۲

« هنگامی که رسول خدا از آنان به ولایت پیمان گرفت گفتند: «شنیدیم و اطاعت کردیم.» سپس پیمان خود را شکستند.»

دعوت به عدالت

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمِ عَلَيَّ أَلَّا تَعْدِلُوا اَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوِي وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴾^۳

﴿ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت

۱. مائده/۷.

۲. قمی، تفسیر القمی، ۱/۱۶۳.

۳. مائده/۸.

شهادت دهید، و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک تر است، و از خدا پروا دارید، که خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است. ﴿

در این آیه خداوند مسلمین را دعوت به قسط و عدالت می کند و آن را از مصادیق تقوا بر می شمرد و تذکر می دهد که خداوند بر اعمال آن ها آگاه است، «وضع الشیء فی محله» مشهورترین معنایی است که از عدالت وجود دارد. طبیعی است هر چه موضوعی که از جایگاه خود خارج شده مهم تر باشد بی عدالتی سنگین تر خواهد بود. مهم ترین موضوع در آخرین روزهای عمر پیامبر جانشینی است و اگر آن از مسیر الهی خود خارج شود قطعاً بی عدالتی بزرگی رخ داده است.

خیانت های مکرر

﴿فَبِمَا نَقَضْتُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ نَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^۱

﴿پس به [سزای] پیمان شکستشان لعنتشان کردیم و دل هایشان را سخت گردانیدیم. [به طوری که] کلمات را از مواضع خود تحریف می کنند، و بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند، به فراموشی سپردند. و تو همواره بر خیانتی از آنان آگاه می شوی، مگر [شماری] اندک از ایشان [که خیانتکار نیستند]. پس، از آنان درگذر و چشم پوشی کن که خدا نیکوکاران را دوست می دارد.﴾

در آیات قبل، خداوند به برخی از مشکلات و نکات منفی یهودیان اشاره داشته است و در این آیه بر پیمان شکنی و انحراف گر بودن آنها تأکید می کند و این که آنان تحریف کننده کلام وحی نیز هستند. این که چرا باید در این مقطع زمانی و در این سوره از یهودیان و نکات منفی آنها یاد شود، خود نکته مهمی است که در آیات بعد روشن خواهد شد؛ در این

آیه خداوند به روشنی از خیانت‌های مکرر افرادی در عصر رسول خدا یاد می‌کند که غالب مفسران، به قرینه آغاز آیه، مرجع ضمیر در «منهم» را یهودیان دانسته‌اند و خیانت‌های ذکر شده در این سوره را به آنها نسبت داده‌اند؛ اما اگر کمی بیشتر دقت کنیم می‌بینیم خداوند از رسولش می‌خواهد که این خیانتکاران را عفو کند! آیا منطقی است که خیانتکاران یهود که هم کافراند، هم معاند و هم خائن، عفو شوند؟ احتمال دیگری که به ذهن می‌رسد آن است که این خیانتکاران دست‌آموزان یهودیان از میان مسلمانان باشند که درس پیمان‌شکنی با پیامبران را از یهودیان آموخته‌اند. واژه خیانت بیشتر در مورد دوستان مصداق دارد تا در مورد کسانی که از آغاز جبهه گرفته، در خط مقابل ایستاده‌اند؛ البته با توجه به آیات بعد این سوره که از همکاری نزدیک اصحاب با یهودیان خبر می‌دهد، اگر خائنان را یهودیان بدانیم و خیانت آن‌ها را فریفتن مسلمین و منافق کردن آنها بدانیم، باز هم شاهدی بر بحث ما خواهد بود.

تهدید مخالفان

﴿ إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ حِزْبٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴾^۱

﴿سزای کسانی که با خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند، جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند. این رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت.﴾

بعد از تذکر به مخالفان و منافقان و ارشاد آنان برای کسانی که از لحن نرم درس نمی‌گیرند، از زبان تهدید نیز استفاده می‌شود، با توجه به اینکه در این زمان ظاهراً پیامبر ﷺ دشمن نظامی بیرونی ندارد باید گفت کسانی در این آیه به عنوان محارب با خدا و رسول او یاد شده‌اند، در بین همین مسلمین و اصحاب رسول خدا هستند؛ یعنی همان منافقان که در زمین فساد می‌گسترانند و خداوند مجازات سنگین دنیایی و عذاب عظیم اخروی را برایشان در نظر گرفته است.

حرکت به سوی خدا وسیله لازم دارد

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾^۱

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و به او [توسل و] تقرب جوید و در راهش جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.»

این آیه جواب روشنی است برای کسانی که به باور نادرستشان می‌خواهند بدون پیامبر و امام به سوی خداوند حرکت کنند، خداوند از آنان می‌خواهد که از این تفکر سخیف دست بردارند و تقوا پیشه کنند و به دنبال وسیله باشند؛ حرکت با وسیله می‌تواند به رستگاری بیانجامد. در تفسیر علی بن ابراهیم قمی به نقل از امام باقر (علیه السلام) می‌خوانیم:

«و قوله: ﴿اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾. فقال تقربوا إليه بالامام»^۲
«به سوی او به وسیله امام تقرب بجوید.»

راه توبه باز است

﴿ فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ ﴾^۳

«پس هر که بعد از ستم کردنش توبه کند و به صلاح آید، خدا توبه او را می‌پذیرد، که خدا آمرزنده مهربان است.»

در آیات قبل به شکل‌های مختلف از خیانت‌ها و کارشکنی‌های مسلمین صحبت شد. در این آیه خداوند اعلام می‌کند که راه توبه برای منافقان باز است و خداوند بخشاینده و مهربان است.

سرعت گرفتن به سوی کفر

﴿ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا

۱. مائده / ۳۵.

۲. قمی، تفسیرالقمی، ۱/ ۱۶۸.

۳. مائده / ۳۹.

أَمَّنَا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ
 سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُواكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ
 يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ
 اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنْ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَطَهِّرْ
 قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١﴾

﴿ای پیامبر، کسانی که در کفر شتاب می‌ورزند، تو را غمگین نسازند [چه] از آنان که با زبان خود گفتند: «ایمان آوردیم» و حال آن که دل‌هایشان ایمان نیآورده بود، و [چه] از یهودیان، [به سخنان تو] گوش می‌سپارند [تا بهانه‌ای] برای تکذیب [تو بیابند]، و برای گروهی دیگر که [خود] نزد تو نیامده‌اند، خبر چینی می‌کنند؛ کلمات را از جاهای خود دگرگون می‌کنند [و] می‌گویند: «اگر این [حکم] به شما داده شد، آن را بپذیرید، و اگر آن به شما داده نشد، پس دوری کنید.» و خدا هر که را بخواهد به فتنه درافکند. هرگز در برابر خدا برای او از دست تو چیزی بر نمی‌آید. اینانند که خدا نخواستند دل‌هایشان را پاک گرداند. در دنیا برای آنان رسوایی، و در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود.﴾

این آیه خبر از گرایش شدید مسلمین به سوی کفر دارد، این گرایش آن قدر ریشه‌دار و عمیق است که رسول خدا محزون شده و خداوند او را دل‌داری می‌دهد و از او می‌خواهد که اندوهگین نباشد.

کفری که مسلمین بدان گرایش یافته‌اند چیست؟ با توجه به قرینه‌هایی که در این سوره وجود دارد مثل قربانی برای بت‌ها یا ارتباط با یهود و نصاری، می‌توان گفت که بت‌پرستی، مسیحیت و یهودیت بارزترین موارد آن است. در این میان گرایش به یهود بیشتر و خطرناک‌تر است و در این سوره درباره آنان بیشتر صحبت شده و بیشتر هشدار داده شده است. در ادامه خداوند به ایمان نفاق‌آمیز آنان اشاره می‌کند که با زبان چیزی را می‌گویند که در دل بدان ایمان ندارند. در ادامه به گوش دادن دقیق اصحاب به سخنان پیامبر ﷺ با تعبیر «سَمَاعُونَ»

اشاره می‌شود؛ اما این گوش دادن دقیق برای پذیرش نیست؛ بلکه «للكذب» است یعنی آنها در سخنان پیامبر ﷺ دقیق می‌شوند، بلکه بهانه و نکته‌ای برای تکذیب سخنان او بیابند و این فاجعه بزرگی است. تعبیر «سَمَاعُونَ» دوباره تکرار می‌شود و این بار خبر از جاسوسی اصحاب می‌دهد؛ آنان به سخنان پیامبر با دقت گوش می‌دهند تا چیزی از قلم نیندازد و بی‌کم و کاست به سوی کسانی که نزد پیامبر ﷺ نیامده‌اند و متخصص در تحریف هستند. منتقل کنند. آنها سخنان پیامبر ﷺ را برای اصحاب ارزش‌گذاری می‌کنند؛ بخشی را می‌گویند بپذیرید و بخشی را می‌گویند نپذیرید. عمق نفاق و فاجعه در همین جاست. این چه ایمان آوردنی است که مسلمانان برای سنجش و پذیرش سخنان پیامبرشان به دشمن او متوسل شوند؟

ولایت یهود

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾^۱

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصاری را اولیاء [خود] مگیرید [که] بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند. و هر کس از شما آنها را به دوستی گیرد، از آنان خواهد بود. آری، خدا گروه ستمگران را راه نمی‌نماید.»

در این سوره مکرر از نکات منفی یهودیان یاد شده و در این آیه مسلمین از پذیرش ولایت آنان نهی می‌شوند. درباره واژه «ولی» سخن بسیار است. بارزترین معانی این واژه «سرپرست» و «دوست» است. با توجه به مطالب این سوره درباره یهودیان و این که مسلمین حتی برای سنجش و پذیرش سخنان پیامبر سراغ یهودیان رفتند و خود را تسلیم سخنان آنان کرده بودند، می‌توان گفت که در اینجا معنی «سرپرست» برای واژه «ولی» تناسب بیشتری دارد و مسلمین از پذیرش سرپرستی یهودیان نهی شده‌اند؛ هر چند اگر واژه «ولی» به معنی «دوست» هم باشد باز خبر از ردالت مسلمین آن دوره می‌دهد که با چه افراد پستی پیمان دوستی بسته‌اند. در ادامه آیه خداوند تصریح می‌کند که هر کس ولایت یهود را بپذیرد، از یهودیان شمرده می‌شود و در شمار ظالمان خواهد بود و خداوند ظالمان را هدایت نخواهد کرد.

خداوند نیازی به ایمان منافقان ندارد

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴾^۱

﴿ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از دین خود برگردد، به‌زودی خدا گروهی را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند. [اینان] با مؤمنان، فروتن، [و] بر کافران سرفرازند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند. این فضل خداست. آن را به هر که بخواهد می‌دهد، و خدا گشایشگر داناست.﴾

در آیه قبل دیدیم که خداوند پذیرش ولایت یهودیان را به منزله ورود در شمار آنان یعنی ارتداد دانست، و در آیه ۹۴ همین سوره خداوند اکثر این مردم را فاسق معرفی می‌کند. اینان گمان دارند که با کثرت خود و اقلیت مسلمان حقیقی دین خدا دچار مشکل خواهد شد. خداوند در این آیه خبر از پاکدلانی می‌دهد که خدا را دوست دارند و خداوند هم آنان را دوست دارد و ملامت ملامتگران در آنان تأثیری ندارد و شجاعانه در راه خدا جهاد می‌کنند. در این که این گروه چه کسانی هستند مفسران اختلاف نظر دارند، در تفسیر علی بن ابراهیم قمی می‌خوانیم:

«نزلت فی القائم و أصحابه الذین یجَاهِدُونَ فی سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا یَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»^۲

یهودیان دین شما را بازپچه ساخته‌اند

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴾^۳

۱. مائده/ ۵۴.

۲. قمی، تفسیر القمی، ۱/ ۱۷.

۳. مائده/ ۵۷.

﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کسانی را که دین شما را به ریشخند و بازی گرفته‌اند [چه] از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده و [چه از] کافران، اولیاء [خود] مگیرید، و اگر ایمان دارید از خدا پروا دارید.﴾
 در این آیه به صراحت از مخالفت یهودیان با اسلام سخن به میان می‌آید و این که آنان اسلام را بازچه خود ساخته‌اند و نیز به روابط برخی از مسلمین با یهودیان و این که آنها یهودیان را اولیاء خود ساخته‌اند اشاره می‌کند و از آنان می‌خواهد از این کار بپرهیزند و تقوا پیشه سازند. قسمت اخیر آیه بیان می‌کند که پذیرش ولایت یهودیان، با ایمان سازگاری ندارد؛ بنابراین اینان ایمان دروغین به رسول خدا آورده‌اند و همچنان که در آیات قبلی اشاره شد باید چنین افرادی را در شمار یهودیان قلمداد کرد؛ نه در زمره مسلمین.

ولایت، سدره منافقان

با توجه به مرور اجمالی برخی از آیات سوره مائده دیدیم که در این سوره از زوایای مختلف اوضاع اعتقادی مسلمین به تصویر کشیده شده است:

- پیمان شکنی می‌کنند.
 - با یهود و نصاری روابط حسنه دارند.
 - یهودیان را اولیاء خود برگزیده‌اند.
 - پیامبر را تکذیب می‌کنند.
 - برای یهودیان جاسوسی می‌کنند.
 - از یهودیان دستور می‌گیرند.
 - پذیرش سخنان پیامبر را در گرو تأیید یهود قرار داده‌اند.
 - در مورد خوراکی‌ها از احکام جاهلی پیروی می‌کنند.
 - هنوز برای بت‌ها قربانی می‌کنند.
- و مشکلات اعتقادی و اخلاقی فراوان دیگری که در آیات دیگر همین سوره بدانها اشاره شده است.

در این اوضاع نابسامان، عمر رسول خدا ﷺ نیز رو به اتمام است و تنها یک جانشین الاهی می‌تواند مسیر دینی جامعه را مطابق قوانین الاهی به پیش ببرد؛ از این رو موضوع ولایت

به شکل‌های مختلف در این سوره مطرح می‌شود. بارزترین نمونه‌های آن آیات غدیر و آیه ولایت است که شرح و توضیح آنان خود بحثی است گسترده. بعد از این مرور گذرا بر سوره مائده، اگر توجه مجددی به پرسش آغازین این نوشتار داشته باشیم، می‌توانیم بگوییم اکثریت جامعه آن روز، همچنین اکثر حاضران در غدیر در شمار منافقان بودند؛ همان تعبیری که رسول خدا خود در آغاز خطبه غدیریه تصریح می‌کند: «لعلمی بقلّة المتّقین و کثرة المنافّین». پس پر واضح است که اینان در انتقال پیام غدیر به آیندگان و دیگران سستی کنند.

فهرست منابع :

قرآن مجید.

قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، اشراف لجنة التحقيق والتصحيح فی الموسسة، بیروت، موسسة الاعلمی للمطبوعات، ۲۱۴۱ق.

